

(بررسی تعلیم و تربیت از منظر اندیشمندان مسلمان و غرب)

(آرمین خدائی عنبران)

(دانشجوی کارشناسی دانشگاه محقق)

(میرمسعود غفور پور عنبران)

(کارشناس ارشد رشته مهندسی کامپیوتر)

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی دیدگاه اندیشمندان اسلامی و اندیشمندان غرب درباره ی تعلیم و تربیت نگاشته شده است. از آنجایی که بررسی دیدگاه اندیشمندان غرب و اسلامی میتواند کمک کند تا بهتر تفاوتها و شباهت های این رویکردها را بشناسیم در این تحقیق به این موضوع پرداخته ایم. اندیشمندان غربی تأکید زیادی بر توسعه خلاقیت، انعطاف پذیری و یادگیری تجربی داشتند. آنها روش های فعال مانند یادگیری مبتنی بر مسأله را ترویج می کردند. اندیشمندان اسلامی تأکید داشتند که تعلیم و تربیت باید همزمان جنبه های عقلی، عاطفی و عملی فرد را پوشش دهد. آنها اهمیت تربیت اخلاقی، معنوی و شخصیتی را بیش از تعلیم مسائل ظاهری میدانند. علاوه بر این تفاوتها میتوان گفت که هر دو گروه بر توسعه خلاقیت، انعطاف پذیری و مهارت های زندگی تأکید داشتند اما اندیشمندان اسلامی بر جنبه های اخلاقی و معنوی هم تأکید می کردند. این تحقیق با روش فراترکیب نگاشته شده است ابتدا واژه هایی مانند تعلیم و تربیت، تعلیم تربیت اسلامی، تعلیم و تربیت غربی و... را در پایگاه های معتبر علمی مانند google scholar, civilica, sid, NOORMAGS جست و جو کرده و در مرحله اول 30 مقاله مرتبط با موضوع گردآوری شد در مرحله دوم با پالایش مقالات و انتخاب موضوعات نزدیک ۲۳ مقاله گزینش شد و در نهایت در مرحله سوم 14 مقاله که نزدیک ترین تحقیقات با موضوع تحقیق بودند، جهت استفاده به عنوان منبع انتخاب گردیدند

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، تعلیم، تربیت

مقدمه

تربیت در تعریف عام خود به معنای (بارآوردن)، و (پروردن) است که هر دو را میتوان هم برای انسان و هم برای جانداران و جانوران به طور یکسان بکار برد اما اگر به طور دقیق تر بخواهیم این واژه را مورد بررسی قرار دهیم میتوان آن را تحول انسانی نامید زیرا اگر تربیت را به معنای عام آن بکار ببریم پی میبریم که اگر تربیتی که برای انسان بکار میرود او را به مرحله درک کردن و فهمیدن میرساند د حالی که حیوانات بی آنکه به مرحله فهمیدن و اندیشیدن برسند به بار می آیند. در واقع مراد از تربیت انسان کشاندن او به سوی ارزش های والا و متعالی است و آنچه که معنای تربیت را از معنای بارآوردن متمایز می کند تکیه آن بر فهمیدن، اندیشیدن، آگاهی، درک کردن و تعقل کردن است در حالی که در بارآوردن مراد اصلی ایجاد عادت و اجبار کردن به انجام کاری است (نقیب زاده، ۱۳۹۹).

تعلیم، روش درست اندیشیدن است تا برای دانش آموز یا مربی شرایطی ایجاد شود تا آنچه را که ندارد و نمی داند را بر روی اندوخته های قبلی خود بنا نهد. در اینجا معلم نقش راهنما را دارد و از طریق مناسب با نزدیک با دانش آموز میتواند بفهمد و تشخیص دهد که چه چیزی را میدانند و چه چیزی را نمیدانند و بداد که آموزش باید از کجا و از چه نقطه ای شروع شود. (لطف آبادی، ۱۳۸۶)

اما اگر بخواهیم تعلیم را در کنار تربیت قرار دهیم میتوان گفت که تعلیم تربیت فرایند انتقال عمیق بینش ها، هدایت و تقویت گرایش ها، شکوفا سازی استعداد ها و توانایی های جسمانی و روحانی انسان برای رسیدن به کمال مطلوب است در واقع هدف آن ساختن انسان هایبست که به درجه مطلوب انسانیت نائل شوند (سلاطینی اسلامی، ۱۳۹۵) اندیشمندان مسلمان و غرب دیدگاه های متفاوتی نسبت به تعلیم و تربیت دارند و هدف از تعلیم و تربیت از نگاه آنان متفاوت است. با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت در تمام نظام های آموزشی و توسعه آن برای پیشرفت و رشد کشور در همه ی جوانب نیاز است تا به بررسی عمیقی نسبت به آن بپردازیم. در این تحقیق تلاش شده است تا تعلیم و تربیت را از دیدگاه اسلامی و غیر اسلامی بررسی کنیم:

تعلیم تربیت اسلامی:

اسلام همواره تربیت را عامل رشد و ترقی انسان برای رسیدن به درگاه خداوند بشمار می آورد. اگر بخواهیم تربیت را از منظر اسلام بررسی کنیم بهتر است عناصر تربیتی آن را مورد بررسی قرار دهیم: (نیلی احمد آبادی، ۲۰۱۳).

فطرت:

از نظر قرآن انسان یک لوح سفید و فاقد اطلاعات نیست بلکه با قوای خاص به دنیا می آید یکی از این قوای خاص، فطر است اسن خلقت از طریق خداوند در انسان نهادینه شده و میراث گذاشتگان نیست بنابراین فطرت از نظر اسلام امری تکوینی نیست و جزو سرشت انسان است

عقل:

عقل به همراه فطرت از عناصر مهم تربیتی اسلام هستند. عقل همان شناخت صحیح حق از باطل و خوبی از بدی است. خداوند راه سعادت را برای انسان مشخص کرده است و این انسان است که باید با کمک عقل آنها را بشناسد و به سوی سعادت و خوشبختی حرکت کند. عقل در تعلیم و تربیت اسلامی از منابع مهمی است که از طریق آن می توان حقایق جهان هستی و معرفت های دینی را شناخت

نفس:

نفس همراه عقل و فطرت از عناصر تربیتی در اسلام هستند و در تعالیم اسلامی بر تربیت و تزکیه ی نفس تاکید فراوانی شده است. نفس، فطرت و عقل از معیار های اساسی در شکل گیری فعالیت های آموزش و پرورش در جهان اسلام هستند. تحقق هدف آفرینش انسان تنها در پرتو تعلیم و تربیت مسیر می شود و به این دلیل خداوند انسان را به ابزار هایی مانند عقل و معرفت مجهز نموده است و پیامبران را با دلایل مشخص و قوانین روشن برانگیخت و وظیفه ی رشد و تعالی تعلیم و تربیت انسان را به آنان سپرد به این منظور میتوان گفت ریشه ی تعلیم و تربیت اسلامی در هزاران نسل پیش انسان وجود داشته و تاثیر آن بر اندیشمندان و مربیان (اسلامی و حتی غیر اسلامی) غیر قابل انکار است. (اسمی و همکاران، ۲۰۱۹). در ادامه به برخی از اهداف تعلیم تربیت از منظر اسلام اشاره میکنیم: (قائمی، ۱۳۶۰)

۱) آموزش راه و رسم رسیدن به اهداف عالیّه زندگی

۲) رسیدن به مرتبه ای که در آن از کلمه ی (من) با آگاهی و شعور استفاده شود

۳) حفظ روابط مشروع اجتماعی و آموزش آن

۴) کوشش برای این امر که همه افعال و رفتار انسان رنگ الهی بگیرند و همه ی تلاش ها و حرکت های انسان برای خداوند باشد. در اندیشه های اندیشمندان اسلامی همیشه تعلیم و تربیت جایگاه خاصی داشته و آنرا جزو ضروریات رشد و توسعه انسان در جهت رسیدن به کمال انسانی میدانند در ادامه به نظریات عده ای اندیشمندان اسلامی در خصوص تعلیم و تربیت می پردازیم:

علامه طباطبایی:

علامه طباطبایی تربیت را مترادف تزکیه میدانند و معتقدند که تعلیم هدایت کننده ی ذهن دانش آموز به وسیله ی معلمی آگاه است تا مطالبی که برای دانش آموزان دشوار است را به آنان بیاموزند در نتیجه میتوان گفت که تعلیم آسان کردن مقصد به وسیله ی معلمان با دانش برای دانش آموزان است ایشان هدف تعلیم و تربیت را غایت مطلوب میدانند، معلم با نشان دادن راه درست به دانش آموز زمینه را برای آسان کردن مسیر او برای رسیدن به هدف حقیقی مهیا می سازد (صالحی و یار احمد، ۱۳۸۷).

فارابی:

فارابی تعلیم و تربیت را هدایت فرد به وسیله ی عالم یا حکیم برای عضویت د مدینه ی فاضله می داند تا فرد بتواند به سعادت و کمال برسد (سعادت در این دنیا و کمال در آخرت). (اردبیلی، ۱۳۹۱). چراکه عالم و ریاست مدینه ی فاضله باید ضامن سعادت مندی افراد در جامعه باشد و با کمک قوای عقل نقش تنظیم کننده ی افعال اختیاری افراد را بر عهده دارد. فارابی معتقد است که افراد و مردم عادی با تربیت درست، هم شیوه ی فرمانبری و همچگونگی فرماندهی را میتوانند بیاموزند. فارابی در اندیشه های تربیتی خود از اندیشه های اسلامی بهره گرفته است و انسان را موجودی از وجود خداوند می داند که به سوی خداوند در حال حرکت است و معتقد است که اخلاق و تربیت تغییر پذیر و اکتسابی اند و در فطرت هیچ انسانی از ابتدای خلقت کمال وجود ندارد بلکه انسان باید برای رسیدن به کمال خداجویی خود تلاش کند اذ همه ی افراد برای رسیدن به سعادت و کمال نیاز مند به تعلیم و تربیت اند (جودی و همکاران، ۱۴۰۱).

اهداف تعلیم و تربیت فارابی: (میرزا محمدی، ۱۳۹۲)

اعتدال:

فارابی معتقد است که هدف تعلیم تربیت رسیدن به اعتدال در قوای شهوی و غضبی است. او معتقد است که انسان با فضیلت به اعتدال می رسد و این فضیلت از تعلیم تربیت بدست می آید. فارابی معتقد است که حد وسط فعل و انفعال انسان با سعادت سنجیده می شود. فارابی معتقد است که آموزش و پرورش باید اجتماعی باشد و معتقد است که محیط میتواند بر افراد تاثیر بگذارد و در تربیت آنان تاثیر گذار باشد

تعقل:

از نظر فارابی شناخت خداوند بدون بکار گیری تعقل ممکن نیست و شناخت خداوند و مخلوقات او مستلزم تعقل است. قوای ناطقه از نظر فارابی رئیس تمام قوای بدن است و قدرت تعقل مستلزم این قوه است. مسیر حرکت انسان از جایی که وجود دارد به سوی مراتب بالا تر عقل، تعلیم تربیت است. در نتیجه تعلیم و تربیت با به وجود آوردن مسیری برای رشد و بالندگی عقل باعث میشود که انسان به مرحله ی شناخت خداوند برسد.

سلامت:

از نظر فارابی رسیدن به هدف غایی تعلیم و تربیت در گرو سلامت فرد است (هم جسمی و هم روانی). اهمیت سلامت جسمانی از نظر فارابی بسیار مهم است چنانچه یکی از ویژگیهای رئیس مدینه ی فاضله را بهره مندی از بدن سالم می داند. البته تربیت فردی باید در جهت کمک به تربیت روحی انجام پذیرد افراط در تربیت بدنی و کم توجهی به تربیت روحی، جامعه را به انحراف می کشاند. همچنین فارابی برای تربیت روان هم اهمیت بسیاری قائل است بخاطر همین به هنر روی می آورد. از نظر او موسیقی و هنر نقش پالایش کننده ی قوه ی متخلیه برای کسب معرفت است و برای ترویج ارزش های اخلاقی و دینی در جامعه باید از طریق هنر قوه ی توده ی مردم را پرورش داد.

تعاون:

فارابی شرط تشکیل مدینه ی فاضله را همکاری اعضای مدینه با یکدیگر می داند. شالوده ی بحث اجتماعی فارابی را تعاون و همکاری اعضای جامعه با یکدیگر تشکیل میدهد. انسان به تنهایی نمیتواند تمام نیاز های خود را برطرف کند لذا نیازمند به همکاری با دیگران است. او تاکید میکند که تعلیم تربیت می تواند این ویژگی را در افراد جامعه رشد و به نهایت خودش برساند

ابن سینا:

ابن سینا تربیت را برنامه ریزی مشخص و یا محاسبه شده در جهت رشد کودک، سلامت خانواده و تدبیر شئون اجتماعی برای رسیدن انسان به کمال دنیوی و سعادت جاودان الهی می داند. ابن سینا معتقد است که در تربیت کودک باید به تفاوت های فردی او توجه شود، برنامه ها باید بر اساس مراحل تنظیم شوند، آموزش ها باید گروهی باشند و در نهایت در تربیت کودکان باید کوشید که آنها را به خودشناسی رساند (اردبیلی و همکاران، ۱۳۹۱).

اهداف تربیتی ابن سینا: (صفدریان، ۱۳۹۲)

(۱) اهداف جسمانی:

ابن سینا برای پرورش بعد جسمانی همانند بعد روحانی اهمیت خاصی قائل است. در این باره به بهداشت توجه ویژه ای دارد از نظر او سلامتی سرشت حالتی است که در آن بدن به درستی فعالیت کند. ابن سینا همانند فارابی پرورش بعد جسمانی را یکی از اهداف تعلیم و تربیت میداند

۲) اهداف عقلانی:

از نظر ابن سینا مهم ترین تربیت، تربیت عقلانی است که منظور از آن پرورش ذهن است. ا. معتقد است که اگر افراد دست به اندیشه ورزی را بیاموزند می توانند در جهت معرفت حرکت کنند همچنین معتقد است که تعلیم و تربیتی قابل قبول است که عقل را پرورش دهد آنگونه که عقل بتواند نظم جهان را درک کند، چنین تعلیم و تربیتی هرگز به سوی اهداف مادی حرکت نخواهد کرد بلکه فقط در جهت لذت عقلی گام بر میدارد. در نهایت هدف از تعلیم تربیت گردآور اطلاعات نیست بلکه همان عادت به اندیشه ورزی است.

۳) اهداف اخلاقی:

امر یادگیری از نظر ابن سینا در بوجود آوردن اخلاق نیکو دخیل است به این معنی که اخلاق پسندیده و نا پسندیده در انسان اکتسابی است و وظیفه ی مربی را تکرار اعمال اخلاقی در زمان طولانی می داند که باعث تثبیت اخلاق نیکو می گردد

۴) اهداف هنری:

ابن سینا معتقد است که با شعر میتوان نظم و هماهنگی را در دانش آموزان به وجود آورد و میتوان عرفان و خودشناسی را با استفاده از شعر در شاگردان پرورش داد. با هنر میتوان قوه ی تخیل در شاگردان را پرورش داد که این راهی برای کسب معرفت است غزالی:

غزالی هدف از تعلیم و تربیت را تهذیب دل از اخلاق مذموم و آراستگی آن به اخلاق نیکو میداند و معتقد است که با تعلیم تربیت میتوان دل را همانند زمینی که از علف های هرز خالی شده و از آن گلها روییده شده اند آراسته کرد آنچه که پیداست غزالی تربیت را امری ضروری و شدنی میداند و معتقد است که آدمی تا تربیت نشود انسان نیست (اشاره به سعادت و کمال آدمی داد). هدف تعلیم و تربیت و هدف آفرینش در راستای هم قرار دارند و با یکدیگر هماهنگ هستند. او همچنین تربیت را کنش و اکنشی جهت آمیز، خردمندانه، آهسته و پیوسته و دائم از گهواره تا گور می داند که طی این فرایند مربی رسالت دارد براین نیک بختی مادی و معنوی متری و پروراندن همه ی نهاده های خداوند بکوشد (بختیار هنر آبادی و همکاران، ۲۰۰۷)

تعلیم تربیت در غرب:

برای درک این موضوع که دیدگاه غرب نسبت به تعلیم تربیت چیست و چه تفاوتی با تعلیم و تربیت اسلامی دارد لازم است تا دیدگاه عده ای از اندیشمندان غیر اسلامی در باره ی تعلیم و تربیت را مورد بررسی قرار دهیم:

مارکس:

مارکس یکی از با نفوذ ترین فلاسفه ی اجتماعی در تاریخ غرب به شمار می آید. مارکس با روشی که به وجود آورد (مارکسیسم) سعی بر آن داشت تا بداند جامعه چگونه توسعه یافته و تغییر میکند. مارکس مستقیماً در باره ی آموزش و پرورش چیزی ننوشته است ولی مارکسیسم در آموزش و پرورش کاربرد نظری و عملی داشته است. پیروی عملی از آموزه های مارکس در زمینه ی آموزش و پرورش عمدتاً در چین و شوروی سابق با استفاده از برنامه آموزش و پرورش اجباری و همگانی و با هدف ایجاد رابطه اجتماعی و جامعه تراز جدید در آن کشور ها بوده است. (علاقه بند، ۱۳۹۵)

کومنیوس:

کومنیوس معتقد است که هدف انسان آن است که چنان پرورش یابد که زندگی این جهان را به خوبی بگذراند و برای جهان دیگر آماده شود این امر زمانی محقق میشود که آدمی خود و جهان را بشناسد، فرمانروای خود گردد و به سمت خداوند سوق پیدا کند. کومنیوس معتقد است که تربیت، انسان را به سوی مقصد خویش راهنمایی میکند. اگر چه ریشه ی دانش و فضیلت در طبیعت آدمی

است اما پرورش آن بر عهده ی آموزش و پرورش است به این دلیل از آموزش و پرورش همگانی سخن میگوید و معتقد است که هیچ انسانی، چه دختر و چه پسر، باهوش و کند ذهن نباید از آن بی بهره باشند. (نقیب زاده، ۱۳۹۹) اسپنسر:

اسپنسر معتقد است که کار کرد های نظام آموزشی باید بسیار اندک و محدود باشد به طوری که نباید خیلی در پرورش فرد مداخله کند. اسپنسر به افراد تاکید زیادی میکند و آموزش و پرورش را به عنوان یک جریان یادگیری و تجربه ی فردی تلقی میکند. به عقیده ی او انسان به طور طبیعی قدرت تشخیص خوب از بد را دارد و این قدرت راهنمای اعمال او خواهد بود. هر کودکی با توجه به پیامد های رفتار و کردار خود به یادگیری می پردازد و ازین راه به تفاوت های میان خوب و بد، صواب و خطا پی خواهد برد. نظام تربیتی مانند نهاد اجتماعی در حدی که طبیعت انسان اجازه میدهد کارایی داشته و تغییرات آن از قوانین تکامل پیروی می کند (علاقه بند، ۱۳۹۵)

رابرت اون:

اون آموزش و پرورش را یک ابزار کلیدی می دانست که طی آن شخصیت انسان توسط زندگی گروهی و جمعی شکل میگرفت. همچنین اون وظیفه ی مدرسه را پرورش دادن تعهد نسبت به زندگی ای میدانست که نسل جوان در آن باید باهم تعاون و همکاری داشته باشند و تاکید زیادی بر آن داشت که تدریس در مدرسه باید با احساس اشیا آغاز شود در برنامه ی درسی او موضوعات و مهارت های مختلفی وجود داشت که دامنه ی آنها عبارت بودند از: علوم طبیعی، جغرافیای محلی، تاریخ قدیم و جدید. علاوه بر اینها رابرت از آموزش و پرورش حرفه ای عملی، آموزش شغلی و فراگیری فنون طرفداری میکرد. او علاقه ی زیادی داشت تا برنامه ی درسی کهن را که شامل حفظ کردن مکانیکی بود را از بین ببرد و دانش آموزان را علاقه مند به یادگیری اجتماعی کند (گوتک، ۱۹۳۵). ترجمه پاک سرشت، ۱۳۸۰) در نهایت او تعلیم و تربیت را فرصتی میدانست که افراد جامعه را برای تولید کردن و مصرف کردن کالاهای جامعه آماده میکرد

برودی:

برودی تعلیم تربیت را به عنوان کنترل کننده ی یادگیری میداند و معتقد است که تعلیم و تربیت با یادگیری یکسان نیست برای مثال اگر فردی امری را خود به خود بیاموزد هرگز جنبه ی تربیتی ندارد بنابراین معتقد است که آن دسته از یادگیری هایی که تحت کنترل هستند را باید مورد بررسی تربیتی قرار داد. برودی از سه نوع تربیت سخن میگوید: (شریعتمداری، ۱۴۰۰)

الف) تربیت محیطی:

این تربیت خود به خود بدست می آید هنگامی که فرد با دیگران تماس اجتماعی دارد اموری مانند راه رفتن در پیاده رو را می آموزد برودی معتقد است که این نوع تربیت نمیتواند از اهداف تربیتی باشد

ب) تربیت غیر رسمی:

آن نوع تربیت هایی که در خانواده و یا موسسه های غیر رسمی به فرد آموزش داده میشود را شامل میشود که جنبه ی عملی دارد. در اینجا برودی معتقد است که عادت دادن افراد در خانواده به انجام امور مختلف یا اطلاعاتی که در اختیار مستخدمین در موسسات غیر رسمی قرار میگیرد جز تعلیم تربیت غیر رسمی است.

ج) تربیت رسمی:

آنچه که از نظر برودی به عنوان تربیت رسمی شناخته میشود این است که قصد تعلیم یا عادت دادن در موسسات مشخص است و کودکان، دبستان، دبیرستان و دانشگاه وظیفه ی تربیت رسمی را بر عهده داند

مقایسه ی تعلیم و تربیت اسلامی و غیر اسلامی(غرب):

مبع اصلی تربیت اسلامی وحی است پیامبران از طریق وحی تحت تربیت الهی قرار گرفته اند مسلمانان نیز همه تحت تربیت پیامبر اکرم (ص) و پیشوایان معصوم و موازی اسلامی پرورش می یابند لذا پرستش خداوند هدف اصلی تعلیم تربیت در اسلام است علاوه بر این اهداف میتوان به اهدافی نظیر تقوا، تعلیم حکمت، عدالتخواهی، تکامل انسان، برادری و همکاری، پرورش نیروی تفکر و پرورش روح اشاره نمود. در مقابل این امر تعلیم تربیت غرب قرار دارد که بیشتر انسان سالارانه و تمرکز آنها بر روی این جهان است و تعلیم تربیت صرفا در جهت رشد و پیشرفت بشر در این دنیا است. تعلیم تربیت غرب به ماهیت انسان با روش علوم تجربی مینگرد در حالی که تعلیم تربیت بر حکمت های معنوی و دینی حقیقت انسان متمرکز است. محور اصلی تعلیم و تربیت غرب انسان و جامعه است در حالی که در تعلیم تربیت اسلامی محور و هسته ی اصلی خداوند است. اگر شخصی تربیت شود که خداوند را نهایت خود بداند و مسیر خود را در جهت او تغییر دهد چنین شخصی مسلما هم انسان خوبی خواهد بود و هم شهروند سالمی برای جامعه میشود. لذا آنچه تعلیم تربیت غرب را از تعلیم و تربیت اسلامی متمایز میکند این است که در آن تکامل و تعالی انسان در بازگشت به فطرت الهی نیست بلکه در تامین هر چه بهتر نیازهای مادی و غریزی اوست.

علاوه بر اینها میتوان گفت که هم فسله اسلامی و هم فلاسفه غرب برین باور هستند که علم میتواند در این جهان برای بشر مفید باشد و در این زمینه تفاوتی میان آنها نیست و برای همین است که در هر دو رویکرد آموزش ریاضی به دانش آموزان مد نظر سیاستگذاران آموزشی است.

نتیجه گیری:

در این تحقیق تلاش شد تا به اساسی ترین تفاوت های تعلیم و تربیت از منظر اسلام و غرب پی ببریم. در بررسی های انجام شده مشاهده شد که هر کدام از این دیدگاه ها اهداف متفاوتی را برای تعلیم و تربیت در پیش گرفته اند. برای درک این مطلب که تعلیم و تربیت اسلامی و غیر اسلامی چه تفاوتی باهم دارند سعی کردیم تا از نظرات اندیشمندان هر کدام از این دیدگاه ها استفاده کنیم. البته با توجه به اینکه تعلیم تربیت اسلامی بر فطرت و وحی و خداجویی متکی است مشاهده شد که عده ای از اندیشمندان غرب مانند کومنیوس هم هدف از تعلیم تربیت را رسیدن به خداوند میدانند. اما با این حال تعلیم و تربیت در غرب و اسلام تفاوت های اساسی دارند. در غرب تعلیم بر تکنیک و علم متمرکز است و هدف اصلی آماده کردن فرد برای زندگی حرفه ای و کسب درآمد است. اما در اسلام تعلیم و تربیت با هدف تربیت انسان کاملی است که هم جنبه های علمی و هم معنوی او را در بر می گیرد تا بتواند خدمتگزار خدا و جامعه باشد. در غرب تعلیم مستقل از تربیت است و معلمان بیشتر به تدریس مطالب علمی می پردازند، اما در اسلام تعلیم و تربیت همراه هم هستند و معلم مسئولیت تربیتی نیز دارد. بطور کلی تعلیم و تربیت اسلامی بر تربیت انسان متقی و معنویت گرا تاکید دارد در حالی که در غرب بیشتر به تعلیم علمی و تخصصی پرداخته می شود

منابع:

- نیلی احمدآبادی. (۲۰۱۳). جایگاه تعلیم و تربیت اسلامی در علوم انسانی. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۱۳(۲۷)، ۱۷۱-۱۸۶.
- اسمی، کرامت، طهماسب زاده شیخلار، داود، & اسلامی. (۲۰۱۹). اهداف غایی و واسطی در تعلیم و تربیت اسلامی و لیبرال. مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۸(۱)، ۱۷۸-۲۱۵.
- اردبیلی، ف.، & بهشتی، س. (۲۰۱۲). هویت فلسفی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۰(۱۶)، ۱-۱۶.
- بختیارنصرآبادی، حسن‌علی، نوروزی، رضاعلی، & رحمان‌پور. (۲۰۰۷). درآمدی بر تعلیم و تربیت و مبانی آن از دیدگاه غزالی. تربیت اسلامی، ۲(۲)، ۱۹۳-۲۱۸.
- جودی، یونس، جوانپور هروی، کوهی گیگلو، & توکل. (۲۰۲۳). تعلیم و تربیت در اندیشه‌های فلسفی فارابی. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۴(۴)، ۶۵۲-۶۶۳.
- میرزاحمدی، & محمد حسن. (۲۰۱۳). مبادی و غایات فلسفه فارابی و دلالت‌های آن در اهداف تعلیم و تربیت اسلامی. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۹(۱)، ۱۳۳-۱۵۴.
- صفدریان. (۲۰۱۴). مقایسه تعلیم و تربیت کودکان از دیدگاه ابن سینا و ژان ژاک روسو. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۱۹(۹۹)، ۸۱-۱۰۴.
- نقیب زاده، میرعبدالحسین (۱۳۹۹). نگاهی به فلسفه ی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات طهوری.
- لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۶). رویکردی نو به فلسفه تعلیم و تربیت. نوآوری‌های آموزشی، ۶(۲۰)، ۴۰-۱۱.
- سلاطینی اسلامی، اکرم. (۱۳۹۵). فلسفه تعلیم و تربیت. کنفرانس ملی فقه، حقوق و روانشناسی.
- قائم‌علی (۱۳۶۰). اصولو مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، اصول در اهداف فرهنگی. مجله ی پیوند. ۲۵، ۵۱-۵۰.
- صالحی، اکبر، یار احمدی، مصطفی (۱۳۸۷). تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تاکید بر هدف ها و روشهای تربیتی. دوفصلنامه علمی-تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی. ۳(۷)، ۵۰-۲۳.
- علاقه بند، علی (۱۳۹۵). جامعه شناسی آموزش و پرورش. تهران: نشر روان.
- پاک سرشت، محمد جعفر (۱۳۹۹). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، تهران: انتشارات سمت.
- شریعتمدار، علی (۱۴۰۰). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات امیرکبیر.

A study of education from the perspective of Muslim thinkers and Western thinkers.

Armin khodaei anbaran¹

student of mohaghegh ardabili university

Mir masoud ghafourpour

Master of computer engineering

Abstract

The present research aims to examine the perspectives of Islamic thinkers and Western thinkers on education and upbringing. Since examining the views of Western and Islamic thinkers can help us better understand the differences and similarities of these approaches, we have addressed this issue in this research. Western thinkers greatly emphasized the development of creativity, flexibility and experiential learning. They promoted active methods such as problem-based learning. Islamic thinkers emphasized that education and upbringing should simultaneously cover the intellectual, emotional and practical aspects of the individual. They consider the importance of moral, spiritual and personality education more than the teaching of superficial issues. In addition to these differences, it can be said that both groups emphasized the development of creativity, flexibility and life skills, but Islamic thinkers also emphasized ethical and spiritual aspects. This research was written using a meta-synthesis method. Initially, keywords such as education, upbringing, Islamic education, Western education, etc. were searched in authoritative scientific databases such as SID, civilica, Google Scholar, NOORMAGS and initially 30 relevant articles on the subject were collected. In the second stage, 23 articles were selected by filtering and selecting closer topics from the articles. Finally, in the third stage, 14 articles that were closest to the research topic were chosen as sources.

Keywords: education, training

¹ Corresponding author